

حدیث قند

ابوالفضل زرویی نصرآباد

www.ketab.ir

کتاب نیستان

زرویی نصرآباد، ابوالفضل.
حدیث قند، ابوالفضل زرویی نصرآباد.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۸۹.

ISBN: 978-964-337-609-3

طنز - تاریخ و نقد.

PN ۶۱۴۹ / ۷۹۴ ۱۳۸۹

۸۰۹ / ۷

۲۱۰۳۹۶۸

حدیث قند

ابوالفضل زرویی نصرآباد

طرح جلد از فرزاد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول، ۱۳۹۰ - ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۶۰۹-۳

لیتوگرافی: گرافیک گستر

چاپ و صحافی: کانونچاپ

۶۵۰۰ تومان

ارتباط با شما: پیام کوتاه ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

طنز و جهانی شدن.....	۸
نگاهی گذرا به طنز در عصر مشروطیت.....	۱۲
نگاهی گذرا به مفاهیم طنز و انواع شوخ طبعی.....	۱۸
روحانیون شوخ طبع.....	۳۸
طنز، انتقاد و رندی در غزلیات لسان الغیب حافظ شیرازی.....	۸۲
مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی دو کلمه حرف حساب.....	۱۴۴
تأملی کوتاه در باب کمدی و روش‌های ایجاد فضای کمیک.....	۲۴۲
هزار نکته باریک‌تر ز مو.....	۲۴۲
مقدمه کتاب «یک بغل کاکتوس» (صد شعر طنز امروز).....	۲۹۶
یادها.....	۳۱۴
یادی از مرتضی فرجیان.....	۳۱۶
یادی از محمد قاضی.....	۳۲۰

طنز و جهانی شدن

دوست عزیز و ارجمندی که سفارش نگارش این وجیزه را می‌داد، گفت: «یادداشتی بنویس با موضوع طنز و جهانی شدن و این که اصولاً از منظر یک طنزپرداز، جهانی شدن خوب است یا بد؟ و آیا طنز با جهانی شدن موافق است؟»

فارغ از جنجال نسبی گرایان و مطلق‌انگاران در تعریف «خوب» و «بد»، این سؤال مثل این است که بپرسیم: مرگ خوب است یا بد؟ صد البته امور قهری هم‌چون «مرگ» می‌تواند موافقان و مخالفانی داشته باشد ولی موافقت و مخالفت بنده و حضرت عالی تأثیری در این تقدیر قهری ندارد. این را عرض کردم که در واقع چیزی عرض نکرده باشم؛ نه خوب و نه بد! این که از این.

و اما درباره‌ی جهانی شدن. اجازه دارم مثال بزنم؟ ببینید، بنده روستا زاده‌ام. این که عرض می‌کنم واقعی است. در روستای ما هر کاری قاعده‌ی خودش را داشت، مثل هر روستای دیگری. از ازدواج و خرید و فروش و عزاداری و پذیرایی از مهمان بگير تا آداب محلی و نوع پوشش و ولیمه‌ی ختنه‌سوران. این رسم و رسوم و قواعد، بعضاً تا حد قداست، اهمیت داشت و سرپیچی از آن‌ها اجداد گرانقدرمان را در گور می‌لرزاند. قضیه به همین جا ختم نمی‌شد. بزرگترها معتقد بودند که اصولاً سیل و زلزله و قحطی به خاطر همین پشت کردن به رسم و رسوم آباء و

اجدادی است.

بگذریم. دری به تخته خورد و ما هم به شهر آمدیم و شدیم عضو شهروندان عزیز. (توضیح: تجمع روستاییان بی‌عرضه و پرتوقع را در یک محدوده‌ی جغرافیایی که دارای لااقل یک باب بیمارستان و سینما باشد، «شهر» می‌نامند! و صد البته روستایی باعرضه و کم‌توقع هیچ وقت شهرنشین نمی‌شود.) در این تجمع بی‌قواره و بی‌در و پیکر، هر کس از جایی آمده بود و رسم و رسوم داشت. طبیعی است که در چنین وانفجایی اگر بنا بود هر کس بر اساس آداب و رسوم محلی‌اش رفتار کند، سنگ روی سنگ بند نمی‌شد. برخی که به کل، رسوم روستای خود را بوسیدند و گذاشتند کنار و برخی دیگر به رغم پایبندی قلبی به آداب قومی، برای انگشت نمایشدن، به اصلاح پوشش، لهجه و رفتار خود پرداختند.

به مجموعه‌ی این تغییرات فرهنگی، اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و حتی اقتصادی و معیشتی، می‌گویند: «شهری شدن». به همین قیاس اگر کسی بخواهد «ملی» یا «کشوری» شود باید نانخ از رسوم و آداب جزئی و دست و پاگیر، با بسنده کردن به اتهامات اخلاقی و فرهنگی و دینی کشورش به گونه‌ای رفتار کند که ضمن دارا بودن ویژگی ایرانی، به قوم و طایفه‌ای خاص منسوب نشود. به این می‌گویند: «ایرانی شدن».

و اما «جهانی شدن». کاری به سیاست و اقتصاد ندارم ولی در عرصه‌ی فرهنگ و علم، خیلی‌ها پیش از آن که منتظر دستورالعمل اهل سیاست بمانند، «جهانی» شده‌اند، از سعدی و حافظ و خیام و رازی و ابن‌سینا و فارابی و ... بگیرند تا انیشتین و تولستوی و بهوون و باخ و همینگوی برناردشاور و ...

اگر راز جهانی شدن را - به زعم این ناچیز- اندیشیدن به خدا و دغدغه‌های انسانی بدانیم، هر اندیشمند و دانشمند و هنرمند از هر کجای جهان؛ حرفی برای گفتن داشته، بی‌آنکه قصد صدور و اشاعه‌ی آثار و افکارش را داشته باشد، مردم جهان، خود به ترویج هنر و اندیشه‌اش پرداخته‌اند. پس فرهنگ و هنر و علم اگر صبغهی خدایی و انسانی داشته باشند، خود به خود جهانی می‌شوند.



و اما طنز. طنز، بیان واقعیت‌های تلخ به زبانی شیرین، کنایی، نشاط‌آور و منصفانه است. می‌گویم «منصفانه» و معتقدم اگر طنز انصاف را رعایت نکند، با اغراق بی‌اندازه و تهمت و توهین در می‌آمیزد و به دامان هجو می‌گلتد.

برخی از فلاسفه، «خنده» را همچون «نطق»، وجه ممیزه انسان و حیوان می‌دانند. اصولاً لبخند زبانی جهانی است. وقتی غیرهم‌زبانی با لبخند به شما می‌نگرد یا با لبخند با شما حرف می‌زند، بی‌آن که دریابید چه می‌گوید، می‌فهمید که نظر سویی نسبت به شما ندارد یا از ناحیه‌ی او زبانی متوجه شما نخواهد شد.

طنز یکی از عوامل ایجاد خنده و نشاط است. به علت گرایش آدمی به نشاط و لبخند، برخی حتی برای فراگیری یک زبان جدید، ترجیح می‌دهند با روحوانی لطایف کوتاهی به زبان جدید، آموزش ببینند. به همین ترتیب حتی نسبت شهرت طنزآوران و کمدین‌های سایر کشورها هم به سایر هنرمندان بیشتر است. مثلاً در میان نویسندگان، موسیقیدان‌ها، فیلم‌سازان و نقاشان ترکیه، کدامیک به اندازه‌ی عزیز نسین در ایران و سایر نقاط شهرت دارند؟ از همین قبیل است شهرت شبه اشاطیری چون

ملانصرالدین و جوحی و مک‌تاویش.

طنزآوران جهان در یک نقطه اتفاق نظر دارند: جهان کنونی لبریز از تلخی است و می‌بایست این تلخی غیرقابل تحمل را همچون قرص‌های روکشدار و فشرده، در کام جهانیان خوشگوار کرد.

طنزپردازی که از پوسته مشکلات و مصائب بومی و قومی خود در آید و با نگاهی جهان شمول، آلام بشری را به طنز بکشد، قدم در راه جهانی شدن گذاشته است. هر چند در کشور ما، مشکلات و مصیبت‌های اقتصادی و سیاسی، آن قدر هست که طنزپردازان ما کمتر مجال پرداختن به امور کلی‌تر را پیدا می‌کنند.

اقتصاد و سیاست را نمی‌دانم ولی در عرصه‌ی علم، هنر و فرهنگ، جهانی شدن قهری و ناگزیر است. گسترش وسایل ارتباط جمعی و نگرش مبنی بر تعقل، ملت‌ها را به تعامل و تبادل فرهنگی سوق داده است و صد البته در این معامله و مبادله، فرهنگ غالب، فرهنگی است که با شناخت صحیح از جهان معاصر و ملزومات آن، عاقلانه‌ترین، جذاب‌ترین و سودمندترین شیوه را به انسان سرگشته‌ی امروز، معرفی کند.

... و صد البته طنز نیز از این قاعده، مستثنی نیست.